



بررسی تحریم ربا به عنوان یکی از راه‌های مبارزه با فقر اقتصادی از منظر قرآن کریم

عبدالکریم گلگون^۱، هرمز اسدی کوه باد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶

چکیده

پدیده‌ی شوم فقر همواره آثار مخربی در اجتماع داشته و یکی از موانع عمده‌ی سعادت اجتماعات بشری است، قرآن کریم برای رفع این بلای اجتماعی راه‌هایی ارائه داده و با روش‌های سلبی و ایجابی به مقابله با آن پرداخته است، از یک سو ربا را تحریم و تکاثر ثروت را ممنوع، و از سوی دیگر با وضع تأسیس‌های مهم و تأثیرگذار اجتماعی، همچون، خمس، زکات، قرض، انفاق، وقف و توصیه به کار و تلاش، برای رفع این بلای خانمان سوز، اهتمام ورزیده است. علی‌رغم این که همه مسلمانان نسبت به حرمت ربا در اسلام متفق هستند، اما تعریف دقیقی در میان مسلمین از ربا مورد اتفاق نیست. سابقاً غالب دانشمندان اسلامی همچون مسیحیان، انواع سود و منفعت بر روی پول را معادل ربا می‌دانستند، اما امروزه اکثر علمای اسلامی ربا را نه هر نوع سودی بلکه معادل سود ظالمانه و می‌دانند. موضوع پژوهش ایجاب می‌کند که در سطح ژرفانگر بررسی شود. از این رو؛ طرح تحقیق ژرفا نگرانه موضوع را به وسیله طرح مطالعه‌ی موردی از فن کتابخانه‌ای، به خاطر رجوع به قرآن کریم و تفاسیر معتبر و فن اسنادی، بررسی و به این نتیجه رسیده است که، تحریم ربا یکی از راه‌های مقابله با فقر و حمایت از فقراء است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، فقر، ربا، اقتصاد، عدالت

^۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران، (نویسنده مسئول)

مقدمه

قرآن کریم برای ایجاد حیات طیبه، تعالیم و ویژه‌های مقرر کرده است. در این پژوهش، تحریم ربا به عنوان یکی از راهکارهای قرآن کریم، برای مقابله با فقر بررسی می‌شود. پایگاه تحقیقاتی در این مقاله، پایگاه اثباتی است و نویسنده بر آن است تا فرضیه‌ی تحریم ربا را، به عنوان یکی از راه‌های پیش‌گیری و رفع فقر، اثبات نماید، و از آنجا که فقر اقتصادی، یکی از علل و عوامل جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی و مانع عمده‌ی سعادت بشری است، و پژوهش درباره‌ی رفع این پدیده‌ی شوم، در قرآن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، که قرآن کریم چه راه‌هایی برای مقابله با این پدیده ارائه داده است؟؛ گرچه محققان عرصه‌های گوناگون، پژوهش‌های متعدد درباره‌ی علل و عوامل فقر و راه‌های مقابله با آن انجام داده‌اند و مفسران و فقیهان نیز هر کدام از منظر حیطه‌ی پژوهشی خود به این مهم پرداخته‌اند، ولی این پژوهش، از دیدگاه قرآنی به این امر می‌پردازد. زیرا پدیده‌ی شوم فقر، زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و عواقب ویرانگری دارد و با توجه به تأثیر مخرب آن، فکر و جسم و هستی آدمیان را نشانه می‌رود، از سویی دیگر، بیش از یک میلیارد از مردم جهان در فقر مطلق بسر می‌برند و سالانه کودکان زیادی در جهان سوم از گرسنگی می‌میرند و با توجه به اهداف عالی قرآن کریم، برای رسیدن به قله‌ی منیع صلاح و فلاح، یافتن راهکارهای وحیانی در این باره حائز اهمیت است. قرآن کریم کتاب انسان‌سازی است، و بر پایه‌ی فطرت و نیازهای فطری انسان و با توجه به نیازهای روحی و جسمی آدمی و ابعاد و جوانب زندگی بشری، احکام گوناگونی را مقرر داشته است. خلقت جهان را برای آسایش انسان و زمینه‌ی رشد و شکوفایی او معرفی کرده و ثروت، خیر و آسایش و رفاه را حق طبیعی آدمیان می‌داند، و با همان شدتی که با کفر مبارزه می‌کند، با فقر نیز مبارزه می‌نماید. از این رو؛ با عوامل و نهادهای اجتماعی که در این مسیر، مانع این هدف متعالی شده است، به شدت مقابله نموده و به شیوه‌های گوناگون به ابطال و تحریم آنها پرداخته است و نهادهای مقابل فقرزایی را تأسیس و تشریح نموده است.

۱- شیوه‌های مقابله با فقر در قرآن کریم

قرآن کریم برای رهایی از فقر و ناداری، از دو شیوه‌ی سلبی- تحریمی و شیوه‌ی ایجابی ارائه طریق کرده است: یکی از راه‌های مقابله با ثروت اندوزی و فقر، تحریم ربا است. ربا از نظر اصطلاحی افزونی بر رأس مال است در دو جنس همگون، که وزنی یا پیمانه‌ای است. (فاضل مقداد، ۱۳۹۵: ۳۶)، به معامله ربوی به جهت زیادتی، ربوی می‌گویند. همان‌گونه که اگر کسی پنجاه من گندم را به هفتاد من گندم معاوضه کند، به چنین معاوضه‌ای، ربوی گویند. ربا بر دو گونه است: ربای قرضی و ربای معامله‌ای. در ربای قرضی، پول یا کالایی به دیگری قرض داده می‌شود تا این که پس از پایان مدت، بیشتر از آنچه داده است، پس بگیرد. ربای معامله‌ی، فروش یکی از دو جنس مثل هم، با زیادتی، در صورتی که مکیل و یا موزون باشند، که هر دو حرام‌اند. (شهیدثانی، ۱۳۶۷: ۳۸)

۱-۱- ربا و تشدید فقر

افراد معمولاً، یا هنگام تنگدستی و برای رفع مایحتاج روزمره‌ی زندگی خود مجبور به گرفتن جنس یا عین و معامله ربوی شده، یا جهت توسعه زندگی و فعالیت و رشد اقتصادی به این امر تن می‌دهند، که در هر صورت، با پرداخت مبالغ افزون بر اصل سرمایه، به او فشار اقتصادی را تحمیل می‌نماید. از آنجا که در جامعه‌ی انسانی، بر اساس علل و عوامل عدیده، برخی از برآورد نیازهای ضروری مادی زندگی ناتوان بوده و با پرداخت سودهای کلان، مبلغی را برای رفع نیازهای ضروری خود به ربا دهندگان پرداخت می‌کنند، چنین افرادی، اغلب از پرداخت اصل سرمایه به طلبکار عاجز

بوده و تن به سودهای تزییدی می دهند و هرچه از زمان اخذ اصل سرمایه بگذرد، بر میزان بدهی ربا گیرنده افزوده می شود و نسل اندر نسل مدیون بوده، فقر میان فرزندان آنان دست به دست شده و از رفاه و آسایش محروم می شوند. از سوی دیگر؛ آنان هم که جهت توسعه‌ی زندگی و رشد اقتصادی، اقدام به گرفتن ربا می کنند نیز، حاصل دسترنج‌شان نصیب دیگری می شود و از این رو، فقیر، فقیرتر و غنی، غنی تر شده و جامعه دچار رکود اخلاقی و اقتصادی می شود و در نتیجه، در چنین جامعه‌ای، عدالت پایمال می گردد. پژوهش گری در این باره می گوید: «جامعه‌ای که در آن نظام ربوی رواج و شایع گشته، خواه ناخواه، عدالت پایمال می شود. چون عدالت اقتضاء دارد که ربا نباشد. زیرا ربا «اکل مال بالباطل» است و آثار ظلم اجتماعی، در زندگی ناهماهنگی به وجود می آورد و امکانات و سرمایه را یکجا جمع می کند و به دنبال آن، سیاست هم در آن متمایل به پول دار می گردد. این آثار اقتصادی، آثار سیاسی هم به همراه دارد. در آن صورت، ظلم اقتصادی و سیاسی جامعه، مظلوم را پایمال می کند. چون ربا دهنده روز به روز فقیرتر و ربا خورنده ثروتمندتر خواهد شد.» (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۹۲). اگر چه فاصله‌ی طبقاتی، علل و عوامل گوناگونی دارد، ولی ربا یکی از مهم ترین آنهاست، از این رو؛ قرآن کریم به شدت با آن به مقابله پرداخته است. کلمه ربا در قرآن کریم پنج بار آمده است:

۱-۱-۱- آیه ۲۷۵ سوره بقره: «کسانی که ربا می خورند (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد و گاهی بپا می خیزد) این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند رباست (و تفاوتی میان آن دو نیست) در حالی که خدا، بیع را حلال کرده و ربا را حرام، و اگر کسی اندرز الهی به او برسد، و از (رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست و کار او به خدا واگذار می شود، اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند) اهل آتشند و همیشه در آن می مانند». فاضل مقداد در ذیل این آیه‌ی شریفه آورده است: "ربا، یکی از گناهان کبیره است، چون در آخر آیه، وعده‌ی آتش در مقابل آن داده شده است، و در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «یک درهم ربا، پیش خدا بزرگ تر از هفتاد بار زنا با محارم در بیت الله الحرام است.» و باز فرموده است: «خداوند تحریم ربا را تشدید نمود تا مردم از پذیرفتن قرض، امتناع نورزند.» و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در مورد ربا پنج گروه را مورد لعن قرار داده: «خورنده ربا، موکل آن دو، شاهد بر معامله آن، و نویسنده‌ی آن.» (فاضل مقداد، ۱۳۹۵: ۴۷۷)

یکی از پژوهشگران در ذیل آیه‌ی مذکور می گوید: «به موجب این آیه ربا خوار در حکم مصروعان و دیوانگان است، زیرا شخص عاقل، مهذب و در مقام توسعه‌ی تجارت و تهیه‌ی رفاه اجتماعی است و همواره خواهان آن است که با کدّ یمین و عرق جبین تحصیل معیشت کند و زندگانی‌اش مایه‌ی خیر و برکت برای اجتماع باشد. در محشر هم این قبیل مردم در حالت صرع، محشور خواهند شد. در پایان آیه، ربا خوار بسیار ناسپاس و گنه کار معرفی شده است، چه ناسپاسی - ای از این بیشتر که به جای همدردی با مسکینان و مواسات با فقیران و نیازمندان با استقراض، آن‌ها را با پرداخت سودهای سنگین از پای در آورد و بر فقر آنان می افزاید، یا چه گناهی از این بالاتر که رباخواران، وجود خود را در جامعه مانند انگلی سازند و از دسترنج دیگران بهره مند شوند؟» (خزائی، ۱۳۵۳: ۲۵۳)؛ تحریم ربا پیش از نزول این آیه، در آیه ۱۳۰ سوره آل عمران تشریح شده بود و اینجا تأکید بر حرمت آن حکم، و تشدید بر رباخواری است. البته پیش از نزول سوره شریفه آل عمران، سوره روم، که سوره‌ای مکی است، نازل شده بود، و در آنجا به نتیجه‌ی عکس ربا خواری، یعنی عدم افزایش ثروت به گونه خبری یادآوری شده است، از این رو؛ دانسته می شود که این کار، از همان بدو بعثت، مذموم

و ناپسند قلمداد شده است. ولی در سوره آل عمران به صراحت تحریم شد. علاوه بر آن، حرمت ربا بر اساس حکایت قرآن کریم در یهود نیز شناخته شده بود (واخذهم الربوا وقد نهوا عنه)، نساء/۱۶۱. علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌فرماید: خداوند سبحان، شدتی که در این آیات درباره ربا خواری به کار برده، درباره‌ی هیچ یک از فروع دین بکار نگرفته است. (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۶۲۸) و با تحلیلی جامعه‌شناسانه، نتیجه آن را از پیش‌گویی‌های قرآن کریم در زندگی اجتماعی و سیاسی معرفی کرده و می‌فرماید: "ربا خواران به جمع کردن اموال و انباشتن ثروت پرداختند و در راه به دست آوردن جاه و مقام، با یکدیگر مسابقه گذاشتند و همین باعث به راه افتادن جنگ‌های جهانی شد، جمعیت دنیا به دو دسته تقسیم گردیده و روبروی هم ایستادند، یک طرف ثروتمندان مرفه و طرف دیگر استثمار شندگان بدبختی که همه چیزشان به غارت رفته بود، و این جنگ‌های جهانی، بلایی شد که کوه‌ها را از جا می‌کند و زلزله در زمین می‌افکند، انسانیت را تهدید و به فنا برد و دنیا را به ویرانه‌ای تبدیل نمود. (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۶۲۹)

قرآن کریم با توجه به رواج گسترده‌ی ربا خواری در مکه و مدینه، این گونه به مبارزه‌ای جدی با این پدیده اجتماعی، که موجب فاصله طبقاتی بوده است، اهتمام ورزیده است، با تشبیهی بلیغ، ربا خواران را به مصروع و دیوانه تشبیه نموده است، انسان که تعادل در راه رفتن را از دست داده است، گرچه بیشتر مفسران بر این باورند که این وضعیت رباخواران، در قیامت و به هنگام ورود به محشر است، ولی برخی معتقدند که منظور، تجسم حال آنان در زندگی دنیوی است، زیرا عمل آنان از روی اندیشه و تفکر نیست و پرستش ثروت، آن‌چنان چشم عقلشان را کور کرده است که نمی‌فهمند استثمار طبقات زیردست و غارت کردن دسترنج آنان، بذر دشمنی را در دل‌هایشان می‌پاشد و به انقلاب‌ها و انفجارهای اجتماعی، که اساس مالکیت را به خطر می‌افکند، منتهی می‌شود، و در این صورت، امنیت و آرامش رخت بر بسته و زندگی خود رباخوار، تحت تأثیر شرایط نابسامان اقتصادی و ناهنجاری‌های ناشی از فقر، قرار گرفته و کشتی طوفان زده‌ی متلاطم، همه را در قعر دریای دنیا فرو می‌ریزد، لذا روش او نیز چون دیوانگان است که در امور خود تدبیر و آینده‌نگری و خرد ورزی را دخالت نمی‌دهند؛ اما از آنجا که وضع انسان در جهان دیگر، تجسمی از اعمال او در این دنیاست، ممکن است آیه اشاره به هر دو معنای دنیوی و اخروی باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۶۷)؛ و در روایات به هر دو معنی اشاره شده است؛ هم آشفتگی این جهانی را در برمی‌گیرد، آن گونه که در روایتی آمده است که: امام صادق علیه السلام فرموده است: «ربا خوار از دنیا نمی‌رود، مگر این که به نوعی جنون مبتلا خواهد شد.» (عیاشی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۵۲) برخی دیگر، وضعیت ربا خواران در قیامت را هم، محبوظانه و مصروعانه معرفی کرده‌اند، (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۹۱)، در روایتی در تفسیر البرهان آمده است: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هنگامی که مرا به آسمان بردند، جماعتی را دیدم که یکی از ایشان می‌خواست برخیزد، ولی به خاطر بزرگی شکمش نمی‌توانست برخیزد؛ گفتم: ای جبرئیل! اینها، کی هستند؟ گفت: این‌ها همان کسانی هستند که در دنیا ربا می‌خوردند و خداوند درباره ایشان فرمود: «الذین یا کلون الربا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس»، و آنان بر راه فرعون هستند، و صبح و شب در آتش فرو می‌روند و می‌گویند: پروردگارا! کی قیامت فرا می‌رسد؟» (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۷۸۴) و هر دو دسته روایات، یک معنا را می‌رسانند، زیرا هر دو مربوط به یک حقیقت است، از این رو که با برهم زدن تعادل اقتصادی و به وجود آوردن فاصله طبقاتی، جامعه را از مسیر درست خود به انحراف کشانده و سبب تضاد میان فقر و غنا و دولت‌مند و درویش شده‌اند. شاید هم در فراز پایانی آیه‌ی شریفه، با بیان، بخشی از باورهای ربا خواران مبنی بر یکسان‌انگاری بیع و ربا، به این حقیقت تأکید شده باشد، که این نوع تلقی غلط آنان از رباخواری، موجب وضعیت محبوظانه و مصروعانه‌ی آنان شده است؛ زیرا هر اندیشمند خرد ورزی

می‌داند که بیع و ربا، دو مقوله‌ی علی‌حدّه بوده و دارای آثار و نتایج و احکام گوناگونی است، و قرآن کریم در اوج معجزه‌ی فصاحت و بلاغت و در نهایت ایجاز، معانی بلندی را القاء فرموده است و به جهت شدت وضوح تفاوت این دو پدیده و سطحی بودن استدلال رباخواران، به اجمال، این مهم را یاد آوری کرده است که این حلال و آن حرام است و تفاوت از کجا تا به کجاست؟: (و احل الله البيع وحرم الربوا)، علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «رباخوار به خاطر خبطی که در روش دارد، می‌گوید: خرید و فروش هم مثل ربا است، و ظاهر این جمله با نگاهی به تفاوت این دو: «ذالک بانهم قالوا...»، حکایت حال رباخواران است، نه این که چنین سخنی را گفته باشند و این گونه تعبیرات (حال اشخاص، به لسان قال حکایت کردن، معروف، و در بین مردم متداول است.)، (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰: ۶۷۳)؛ در هر صورت، ربا موجب افزایش فقر و تشدید فاصله اجتماعی می‌شود، در یکی از کتب تفسیری معاصر به آشکاری نتایج و تفاوت‌های این دو تبیین شده است: «اولاً؛ در خرید و فروش معمولی هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند، گاهی هر دو سود می‌کنند و گاهی یکی سود و دیگری زیان می‌کند، در حالی که در معاملات ربوی، رباخوار هیچ‌گاه، زیان نمی‌بیند و تمام زیان‌های احتمالی، بردوش طرف مقابل، سنگینی خواهد کرد و به همین دلیل مؤسسات ربوی، روز به روز، وسیع‌تر و سرمایه‌دارتر می‌شوند و در برابر تحلیل رفتن طبقات ضعیف، بر حجم ثروت آنها، دائماً افزوده می‌شود، ثانیاً: در تجارت و خرید و فروش معمولی، طرفین در مسیر تولید و مصرف، گام برمی‌دارند، در صورتی که رباخوار، هیچ عمل مثبتی در این زمینه ندارد. ثالثاً: با شیوع رباخواری، سرمایه‌ها در مسیرهای ناسالم می‌افتد و پایه‌های اقتصاد که اساس اجتماع است، متزلزل می‌گردد، در حالی که تجارت صحیح، موجب گردش سالم ثروت است؛ رابعاً: رباخواری منشاء دشمنی‌ها و جنگ‌های طبقاتی است، در حالی که، تجارت صحیح، چنین نیست و هرگز جامعه را به زندگی طبقاتی و جنگ‌های ناشی از آن سوق نمی‌دهد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۶۹) و در فراز بعدی آیه، به اصل مهم و همه‌عصری و همه‌مصری «عطف به ماسبق نشدن قانون»، رباخواری‌های پیش از این قانون را بخشیده و کسانی که این حکم الهی را گردن نهاده و به رباخواری خود استمرار دهند، مشمول: (ومن عاد فاولیک اصحاب النار هم فیها خالدون)، معرفی می‌کند و از این رو؛ دیده می‌شود که شدیدترین تعابیر در روایات در نکوهش رباخواری آمده است، که در باره‌ی هیچ کدام از گناهان کبیره و جرایم فردی و اجتماعی نیامده است؛ آن گونه که لرزه بر اندام انسان می‌اندازد، و باتوجه به واژه‌ی خبط در این عبارت آیه‌ی شریفه (الذین یاکلون الربا لایقوم الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان...) که به معنای کج و معوج و غیر طبیعی و نامنظم راه رفتن است، و اتصاف رباخواران به این ویژگی، با بلاغتی تام در استعمال مجازی خبط در این باره برجسته است، و رباخواران، با توجه به پندارشان در برابر یکسان دانستن بیع و ربا، به مخبوطان، تشبیه شده‌اند، و عملکرد آنان را با توجه به عواقب اجتماعی رباخواری، خلاف سیره‌ی عقلا و فطرت بشری دانسته است، علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: "این عمل، برخلاف فطرت آدمی است، چون فطرت که پایه و اساس زندگی اجتماعی بشر را تشکیل می‌دهد، حکم می‌کند که آنچه را که آدمی دارد و از آن بی‌نیاز است، با آنچه که دیگران دارند و او به آن نیازمند است، معاوضه کند، (آن مقدار که از مال خود می‌دهد به همان مقدار از مال دیگران گرفته، جای خالی را پر کند، نه بیشتر بگیرد و نه کمتر)"، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۶۳۰). وی سپس در تبیین نتیجه‌ی عکس این فرآیند می‌فرماید: "این حکم خلاف فطرت است و اساس اجتماع را تباه می‌سازد، و رباخواری موجب کاهش بنیه‌ی مالی یک عده، و ضمیمه شدن اموال آنان به اموال رباخوار است، و این کاهش و نقصان، از یک طرف، و تکاثر اموال از طرف دیگر، که به مرور زمان و روز به روز خرج بدهکار و مصرف او بیشتر می‌شود و با زیاد شدن احتیاج و مصرف، و نبودن، درآمدی که آن

را جبران کند، روز به روز خرج بیشتر می‌شود و ربا نیز تصاعد می‌یابد و این تصاعد از یک طرف و نبودن جبران از طرف دیگر، زندگی بدهکار را منهدم می‌سازد و این خود خبطی است که رباخوار مبتلای به آن است، مانند خبطی که جن زده، مبتلا به آن است، برای این که معاملات ربوی، او را در آخر، دچار این خبط می‌کند، آن گونه که فرقی میان معامله‌ی مشروع، یعنی خرید و فروش، و معامله نامشروع، یعنی ربا نگذارد، وقتی به او می‌گویند دست از رباخواری بردار و به خرید و فروش پرداز، می‌گوید: چه فرقی است میان ربا و بیع؟ لذا خدای تعالی به همین سخن رباخواران (چه فرق است میان بیع و ربا؟)، استدلال بر خبط آنان کرده است، و این استدلالی است قوی و بجا، برای این که ربا، تعادل و موازنه ثروت را در جامعه به هم می‌زند و آن نظامی که فطرت الهی، به آن راهنمایی می‌کند و باید در جامعه حاکم باشد، مختل می‌سازد." (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۶۳۱) و استعمال مجازی واژه‌ی خبط که از دید فنون بلاغت، گونه‌ای از اعجاز قرآن کریم است، به لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی نیز قاعده‌ی بنیادین اجتماعی را مبنی بر ایجاد ناامنی و تزلزل و ناهنجاری‌های اجتماعی و واکنش‌های جبران‌ناپذیر طبقه‌ی محروم و ربا دهنده را در پی خواهد داشت. به همین جهت است که برخی معتقدند که: هنگامی که توازن سازمان وجود انسانی به هم می‌خورد یا به مغز و خرد او آسیب وارد آید، به سان کسی می‌شود که شیطان صحنه‌های هراس‌انگیزی را در نظر او مجسم می‌سازد و یا چنین شرایط و مناظری را به وسوسه در نظر او پدید می‌آورد. (طبرسی، ۱۳۷۸: ۱۰۲)؛ از سوی دیگر، با توجه به روایاتی که درباره‌ی فلسفه تحریم ربا وجود دارد، علاوه بر این که؛ ترویج رباخواری باعث می‌شود که سرمایه‌ها در جهت تولید و اشتغال‌زایی به کار گرفته نشوند، موجب می‌شود که مردم از نیکوکاری و قرض الحسنه بازداشته و به زراندوزی و تکاثر ثروت روی آورند. آن گونه که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «...یمتنع الناس من اصطناع المعروف قرضاً و رفداً». (حر عاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۲) و شاید شدت تقبیح آن در روایات، حاکی از این امر مهم بوده است که مکتب‌رهایی بخش اسلام، نتیجه‌ی، این پدیده‌ی منهی‌عنه را گسترش فقر و پیش‌گیری از پیامدهای هنجارشکنانه و آسیب‌های جبران‌ناپذیر آن دانسته است. امیرالمومنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لعن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم، فی الربا خمسه: آکله و موکله و شاهدیه و کاتبه.» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱۵: ۱۵) و در تفسیر مجمع البیان در ذیل این فراز آیه‌ی شریفه ۲۷۶ سوره‌ی بقره «والله لایحب کل کفار اثمیم» آمده است:

مفهوم این جمله، آن است که هر کس نعمت‌های خدا را ناسپاسی کند و آنها را در راه ظالمانه بکار گیرد و ربا را روا پندارد و از این طریق در گمراهی خویش بکوشد و در گناه خود فرو رود، باید بدانند مورد خشم خدا است. (طبرسی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱۱).

۱-۲- آیه‌ی ۲۷۶ سوره‌ی بقره: «خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنه‌کاری را دوست نمی‌دارد». در این آیه‌ی شریفه، دو عمل حقوقی و مالی با هم مقایسه و نتیجه هر کدام بیان شده است؛ برخلاف گمان رباخواران، ربا محکوم به محو، و صدقه موجب افزایش و فزونی است، با این که ظاهر قضیه، برخلاف این است، به حقیقت امر اشاره می‌شود که رباخوار به وسیله‌ی ثروتی که در دست دارد و حاصل دسترنج طبقه‌ی زحمت‌کش را جمع می‌کند و گاه به این وسیله، به هستی و زندگی آنان خاتمه می‌دهد و یا لاقلاً بذر دشمنی و کینه در دل آنان می‌پاشد، به طوری که تدریجاً تشنه‌ی خون رباخوار می‌گردند و جان و مالش را در معرض خطر قرار می‌دهد. قرآن می‌فرماید: «خدا سرمایه‌های ربوی را به نابودی سوق می‌دهد»، این نابودی تدریجی که برای افراد رباخوار است، برای اجتماع رباخوار نیز تحقق می‌یابد، در مقابل، کسانی که با عواطف انسانی و دلسوزی در اجتماع گام می‌نهند و از

سرمایه و اموالی که تحت اختیار دارند، انفاق می‌کنند و در رفع نیازمندی‌های مردم می‌کوشند، با محبت و عواطف عمومی مواجه می‌گردند و سرمایه‌ی آنان نه تنها در معرض خطر نیست، بلکه با همکاری عمومی، رشد طبیعی خود را می‌نماید، این است که قرآن کریم می‌فرماید: «و انفاق‌ها، مال را افزایش می‌دهد.» این حکم در فرد و اجتماع یکی است، در اجتماع که به نیازمندی‌های عمومی رسیدگی شود، قدرت فکری و جسمی طبقه‌ی زحمت‌کش و کارگر که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهد، به کار می‌افتد و به دنبال آن، یک نظام صحیح اقتصادی که بر پایه‌ی همکاری عمومی و بهره‌گیری عموم، استوار است، پدید می‌آید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۷۱)، و با توجه به دو واژه‌ی «کفار» و «اثیم» در این فراز آیه‌ی شریفه که مبالغه در ناسپاسی و گناه را می‌رسانند، «رباخواران نه تنها با ترک انفاق و قرض الحسنه و صرف مال در راه نیازمندی‌های عمومی، شکر نعمتی که خداوند به آنان ارزانی داشته به جا نمی‌آورند، بلکه آن را وسیله‌ی هرگونه ظلم و ستم و گناه و فساد قرار می‌دهند و طبیعی است که خدا چنین کسانی را دوست نمی‌دارد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۷۱)، علامه طباطبایی نیز در این باره می‌فرماید: «هم‌چنان که یکی از خصوصیات صدقات این است که نمو می‌کند، و این رشد و نمو، لازمه‌ی قهری صدقه است و از آن جدا شدنی نیست، چون باعث جلب محبت و حسن تفاهم و جذب قلوب و امنیت است و دلها را از این که به سوی غضب و دزدی و افساد و اختلاس بگرداند، باز می‌دارد و نیز باعث اتحاد و مساعدت و معاونت گشته و اکثر راه‌های فساد و فتنای اموال را می‌بندد و همه‌ی اینها باعث می‌شود که مال آدمی در دنیا زیاد و چند برابر شود. هم‌چنین یکی از خواص ربا، کاهش مال و فتنای تدریجی آن است، چون ربا باعث قساوت قلب و خسارت می‌شود و این باعث بغض و عداوت و سوء ظن می‌گردد و امنیت و مصونیت را سلب نموده، نفوس را تحریک می‌کند تا از هر راهی و وسیله‌ای که ممکن است باعث می‌شود که دو گروه رباخوار و ربا خور از یکدیگر انتقام بگیرند و همه‌ی اینها باعث تفرقه و اختلاف می‌شود و راه‌های فساد و زوال و تباهی مال را می‌گشاید و کمتر مالی از آفت و یا خطر زوال محفوظ می‌ماند، هدف اینها برای این است که صدقه و ربا هر دو با زندگی طبقه محروم و محتاج تماس دارد، زیرا احتیاج به ضروریات زندگی، احساسات باطنی آنان را تحریک کرده و در اثر وجود عقده‌ها و خواسته‌های ارضاء نشده، آماده دفاع از حقوق زندگی خود گشته و هر طور شده در صدد مبارزه بر می‌آیند. اگر در این هنگام به ایشان احسان شده و کمک‌های بلاعوض شود، احساساتشان تحریک می‌شود تا بر احسان و حسن نیت خود، آن احسان را تلافی کنند و اگر در چنین وضعی در حق آنان با قساوت و خشونت رفتار شود، به طوری که بقیه مالشان هم از بین برود و آبرو و جانشان در خطر افتد، با انتقام مقابله خواهند کرد و به هر وسیله‌ای که دستشان برسد، طرف مقابل را منکوب می‌سازند و کمتر رباخواری است که از آثار شوم این مبارزه محفوظ بماند، بلکه آنهایی که سرگذشت رباخواران را دیده‌اند، همه از نکبت و نابودی اموال آنان و ویرانی خانه‌ها و بی‌ثمر ماندن تلاش‌هایشان از قهر فقرا خبر می‌دهند.» (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰: ۶۴۳) و در آیه‌ی بعدی با توصیف مؤمنان، نیکوکاران، نمازگزاران و پرداخت کنندگان زکات به این که نزد پروردگار، دارای اجر و پاداش هستند، عدم خوف و حزن آنان از آینده و گذشته را معلول عملکرد اجتماعی اقتصادی آنان در دنیا و برپایی نماز معرفی می‌فرماید؛ و از آن رو که آیات پیشین، تزلزل و اضطراب رباخواران در زندگی اجتماعی را معلول عدم تعادل و ناهنجاری ناشی از ایجاد فاصله‌ی طبقاتی و شکاف اجتماعی معرفی فرموده است و برپایه‌ی تحلیل اجتماعی و روان‌شناسی که مفسران عظام از آن آیت رحمانی بیان کرده‌اند که: «خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را فزونی می‌بخشد و خداوند هیچ کفران‌کننده‌ی گنه‌کاری را دوست ندارد؛» که رباخواران را با صیغه‌ی مبالغه‌ی کفران و اثیم یاد کرده است، در این آیات؛ ایمان، عمل صالح، برپایی نماز و ایتاء زکات در اوج صفات انسانی و از فضیلت‌های والای

معنوی که موجب دور کردن خوف و حزن و پاداش نزد پروردگار بی همتا، توصیف شده است و از این مقابله عواقب رباخواری و نتایج احسان و نیکوکاری در زندگی اجتماعی، استنباط می‌شود که نخستین موجب فقر و فلاکت و در نتیجه این ناسپاسی (عدم استفاده درست از اموال)؛ گناه بزرگ و موجب نابسامانی اجتماعی و خبط شده و جامعه را از تعادل و هماهنگی باز می‌دارد و دومین موجب آسودگی اجتماعی و پیش‌گیری از حزن و خوف ناشی از عواقب فقر شده و جامعه را به سوی فلاح و صلاح و آرامش سوق می‌دهد. فاضل مقداد در این باره می‌گوید: "خداوند متعال در مورد حرمت ربا تنها به وعده‌ی آتش بسنده ننموده است، بلکه فرموده است: خیری در آن نیست و اعتبار و شرف را از بین می‌برد. ربا از بین می‌رود ولی صدقات باقی می‌ماند، چون فرموده است: «یَمْحَقُ الرِّبَا وَيُرَبِّي الصَّدَقَاتِ»؛ «محق» عبارت از نقصان تدریجی چیزی است تا از بین برود، و در پایان افزوده است: «خداوند هیچ گناهکار پوشاننده‌ی گناه را دوست نمی‌دارد». این کلام الهی، در مورد تغلیظ شأن رباست، چون گیرنده‌ی آن، همانند کافر، بسیار معصیت‌کار است و خلود در آتش نصیب او می‌شود که از احکام کفار می‌باشد." (فاضل مقداد، ۱۳۹۵: ۴۷۷).

۱-۱-۳- آیه‌ی ۲۷۸ سوره بقره: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پرهیزید و آنچه از ربا باقی مانده رها کنید، اگر ایمان دارید». علامه طباطبایی در ذیل این آیه‌ی شریفه آورده است: «این که جمله را با قید (اگر مؤمن هستید) مقید کرده است، به منظور اشاره به این است که ترک رباخواری از لوازم ایمان است و نیز برای این است که جمله‌ی (من عاد...) و جمله‌ی (والله لا یحب کل کفار...) تأکید کند. (علامه طباطبایی، همانجا: ۶۴۷)؛ این جمله تعلیلی است که ثواب صدقه دهندگان و کسانی را که به خاطر نهی خدا، دست از رباخواری بر نمی‌دارند، به وجهی عام بیان می‌کند که هم شامل این دو مورد می‌شود، و هم غیر این دو. (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۶۴۷)، آری اگر به خدا ایمان دارید، دستور او این است و کسی که ایمان نداشته باشد، با خدا در پیکار است، برخی بر این باورند که این دستور خداست، اگر به راستی حرمت ربا و تباهی‌های بسیار این آفت اجتماعی را باور دارید، و آن را گواهی می‌کنید، از رباخواری دست بردارید. (طبرسی، همانجا: ۱۱۴)، فاضل مقداد در ذیل این آیه‌ی شریفه آورده است: «ان کنتم مؤمنین» مبالغه دیگری است در تشدید امر ربا؛ یعنی اگر به آن چیزی که بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، ایمان آورده‌اید، ملتزم به احکام ایمان گردید، که از جمله‌ی آن معتقدات، تحریم ربا است. (فاضل مقداد، ۱۳۹۵: ۴۷۸)، محقق اردبیلی در استدلالی در این باره آورده است: «و هذه مبالغه مشهوره فی افاده منع العالم عن خلاف ما یقتضی علمه». (محقق اردبیلی، ۱۳۷۵: ۵۵۱)

۱-۱-۴- آیه‌ی ۲۸۹ سوره بقره: «اگر چنین نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن شماست، نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود». حرب، به معنی جنگ است و نکره آوردن این کلمه، دلالت بر تعظیم و مبالغه می‌کند (یعنی جنگ سخت)، در این آیه از رباخواری به شدیدترین وجه منع شده است و این شدت از جهات ذیل است: ۱- تعبیر از ادامه‌ی رباخواری به اعلام جنگ با خدا و رسول. ۲- نسبت بی‌ایمانی به رباخواری که از جمله‌ی «ان کنتم مؤمنین» مفهوم می‌شود. ۳- از «و ان تبتم» مفهوم می‌شود که ارتکاب ربا گناه است، و باید از آن توبه کرد. ۴- از اخذ ربا تعبیر به ظلم شده است که از جمله‌ی «لاتظلمون» مفهوم می‌شود و می‌دانیم که ظلم، عقلاً و نقلاً حرام است. (مدیر شانه چی، ۱۳۸۰: ۱۷۲)، محقق اردبیلی در ذیل این آیه‌ی شریفه جنگ با رباخواران را جایز دانسته و می‌گوید: فدلت علی جواز قتال المسلم علی ترک الربا حتی یرجع مثل قتال مانع الزکاه. (محقق اردبیلی، ۱۳۷۵: ۵۵۱)، وی در تفسیر جمله‌ی «و ان تبتم»، با تأیید نظرات قاضی بیضاوی

مؤلف انوارالتنزیل و اسرار التاویل و جارالله زمخشری مؤلف الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، تفسیر آن را به برگشت از اعتقاد به حلیت، تعبیر کرده است، (محقق اردبیلی، ۱۳۷۵: ۵۵۲)، و این شدت بیان با توجه به واژگان «حرب من الله ورسوله»، «ان تبتم»، «لا تظلمون» را برخی از مفسران چون زمخشری و قاضی بیضاوی، چنین تفسیر کرده‌اند: کسانی که از رباخواری توبه نکنند و بر حلیت آن اصرار کنند، مرتد شده و مالشان بر مسلمانان مباح می‌شود. (فاضل مقداد، ۱۳۹۵: ۴۷۸)، گرچه انتساب ارتداد به رباخواران با توجه به مبانی کلامی و اصولی، صحیح به نظر نمی‌آید، ولی این تلقی، حاکی از شدت وحدت و آثار این فعل حقوقی منهی‌عنه، در ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی است.

در مجمع البیان ذیل آیه‌ی شریفه آمده است: و اگر فرمان خدا را نپذیرفتید و به دستورات او در و انهادن ربا خواری- این بلای اجتماعی، گردن نهادهید- یقین داشته باشید که این عمل زشت شما، بسان اعلان جنگ با خدا و پیامبر است. (طبرسی، ۱۳۷۸: ۱۱۴)، این آیه‌ی شریفه، رباخواری را یک جرم سنگین معرفی کرده است، به همین جهت برخی برای آن به مجازات اعدام نظر داده‌اند و معتقدند که رباخوار را پیشوای عادل، به توبه فرا می‌خواند و پس از تبیین این جرم، او رها کرده و در صورت تکرار این جرم به قتل می‌رسد، مرحوم طبرسی در این باره می‌فرماید: «رباخوار را باید پس از روشن شدن گناه رباخواری، تأدیب کرد و رها ساخت، آنگاه اگر برای بار دوم به کار زشت و ظالمانه‌ی خود روی آورد، دگر باره روشن‌گری کرد و وی را تأدیب کرد، اما اگر بار سوم به بهره‌کشی ظالمانه‌ی خویش باز گشت، باید او را به شدیدترین کیفر، مجازات کرد»، (طبرسی، ۱۳۷۸: ۱۱۵) و در تفسیر قمی روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که: «آکل الربا یودب بعد البینه، فان عاد، ادب و ان عاد، قتل»، (علی بن ابراهیم قمی، ۱۳۱۳ق: ۹۳)، و با توجه به این مجازات سنگین و دستوری که در آیه بعدی مبنی بر مراعات بدهکاران تنگدست صادر شده است: «و ان کان ذو عسره فنظره الی میسره» (بقره/ ۲۸۰) و توصیه به بخشش، «و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون» (بقره/ ۲۸۰) و امر به پرهیزکاری و یادآوری بازگشت به خدا: «واتقوا یوما ترجعون فیهِ الی الله ثم توفی کل نفس ما کسبت و هم لایظلمون» (بقره/ ۲۸۱)؛ استنباط می‌شود که قرآن کریم به فقراء و نتایج ناشی از فقر و پیش‌گیری از این ناهنجاری اجتماعی با دستورالعمل‌های و حیانی حکم ربا را تشریح فرموده است.

۱-۱-۵- آیه ۱۳۰ سوره آل عمران: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا را چند برابر نخورید، و از خدا پروا کنید، تا رستگار شوید».

در این آیه‌ی شریفه نیز نهی بر رباخواری تکرار شده است، و شاید تکرار برای تأکید و مبالغه در تحریم و تصریح بر نهی است، در زبده البیان آمده است: «قد مر مضمونها وهو تحریم الربا و لعل التکرار، للتأکید، والمبالغه فی التحریم، و ایضا لتصریح النهی فان الذی مضی کان بحسب الظاهر خبرا او لعظم ذنب هذا الفرد و هو الاکل اضعافا مضاعفه و کان الواقع کان کذلک، و لکثره ضروره علی الناس.» (محقق اردبیلی، ۱۳۷۵: ۵۵۴)، علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه مذکور آورده است: «بدیهی است که لازمه‌ی انفاق و نیکی، ترک رباخواری است، لذا آیات، دعوت خود را به خیر و نیکی با نهی از ربا شروع کرده است.» (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۲۹)، فاضل مقداد در ذیل این آیه می‌گوید: در آن زمان با رسیدن زمان باز پرداخت پول؛ چیزی به آن می‌افزودند و مدتی مهلت می‌دادند و هنگامی که وقت مهلت می‌رسید، باز چیزی اضافه کرده و به مهلت بعدی موکول می‌نمودند و به همین ترتیب با پول اندک، تمام امکانات و هستی بدهکار را می‌گرفتند. خداوند متعال نیز از این وضع نهی و جلوگیری نمود. (فاضل مقداد، ۱۳۹۵: ۴۸۰)

۱-۱-۶- آیه ۳۹ سوره روم: «آنچه به عنوان افزایش مال به دیگران می‌دهید به قصد آن که در اموال مردم دیگر برای شما افزایش حاصل شود، بدانید که این کار در نزد خداوند موجب برکت و افزون مال نیست»، در تفسیر این آیه شریفه در روایات، دو نظر وجود دارد، برخی ربا را سودهای مجاز و هدایایی می‌دانند که اهداء می‌شود، زیرا نه مشمول ثواب است و نه مستوجب عقاب، ولی برخی دیگر بر این باورند که مفهوم آیه، همان معنای آیه «یصحق الربا و یری الصدقات» است که خداوند از برکت ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید؛ (طبرسی، ۱۳۷۸: ۱۴۷)؛ و با توجه به تفسیری که در ذیل آیه شریفه‌ی اخیر گفته شد، این نظر مقرون به صحت است؛ و شاید این که در روایات آمده است که پرداخت زکات و حقوق محرومان و انفاق به فقیران، از سرمایه نمی‌کاهد، اشاره به آثار فقر و فاصله طبقاتی و خطرات ناشی از طغیان طبقات ضعیف و استثمار شده است، علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: "ربا از یک سو مستلزم نابودی طبقه‌ی فقیر است و از سوی دیگر جمع شدن اموال نزد طبقه‌ی سرمایه دار و نتیجه‌ی آن، دشمنی طبقه‌ی فقیر نسبت به طبقه‌ی ثروتمند است، او را می‌دارد تا به منظور دفاع از خود و از زندگی تلخ تر از زهرش و به هر طریقی که دستش برسد از آن طبقه، انتقام بگیرد، و هرج و مرج و فساد نظام زندگی بشر و به دنبالش هلاکت بشریت و نابودی تمدن، از همین جا شروع می‌شود و طغیان، و فقر عمومی در میان بشر گسترش یافته، و ثروت در انحصار اقلیتی قرار می‌گیرد و هرج و مرج اجتماعی پدید می‌آید. (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰: ۶۶۰)، معظم‌له یکی از آثار زیانبار فاصله‌ی طبقاتی و شکاف فقر و غنای ناشی از ربا و تکاثر ثروت در دوران معاصر را، شیوع کمونیست، دانسته و می‌فرماید: دانشمندان اقتصاد شکی در این ندارند که تنها علت شیوع کمونیست در جهان و پیشرفت مرام اشتراکی همین تراکم فاحش ثروت نزد افرادی انگشت شمار است، که آتش کینه‌ی محرومان را تیزتر می‌کند، محرومینی که اکثریت بشر را تشکیل می‌دهند و از حیاتی‌ترین نیازهای زندگی بی‌بهره‌اند. (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰: ۶۶۱)

علت سخت‌گیری قرآن کریم به ارتکاب این فعل، مقابله با ثروت اندوزی و فقر است، علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «خداوند در این آیات نسبت به ربا سخت‌گیری‌هایی نموده که مانند آن‌ها را در هیچ یک از فروع دین جز در باره‌ی دوستی با دشمنان دین، نکرده است. تعبیراتی که در مورد سایر کبائر است، مانند زنا و شرب خمر و قمار و حتی قتل نفس، گرچه خیلی شدیداللعن است، ولی به پایه‌ی تشدیدهایی که در مورد این دو امر شده، نمی‌رسد» (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۲۴۰)، از این رو؛ با توجه به این که شدت تقبیح و مجازات، بیانگر تأثیر منفی فعل منهی عنه بر جامعه و منافعی با مصالح و اهداف عالی شریعت است، دانسته می‌شود که شارع مقدس برای پیش‌گیری از فقر و نابسامانی‌های اجتماعی ناشی از آن، در شدت مقابله با ربا دستوراتی صادر کرده است، به همین جهت قرآن کریم در چهار مرحله ربا را تحریم نموده است: در مرحله اول؛ در سوره دوم آیه ۳۹ رباخواری را امری ناپسند در پیشگاه خداوند معرفی کرده است، و در مرحله دوم؛ آن را به عنوان یکی از عرف و عادات ناشایست یهودیان مورد تقبیح قرار داده، در مرحله بعد؛ در سوره آل عمران آیه ۱۳۰، ربای ویژه‌ای به نام ربای فاحش را تحریم کرد، و در مرحله‌ی چهارم؛ با یک فرمان الهی اکید، در آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ بقره هرگونه ربا را تحریم و حرمت آن را در زمره‌ی قوانین ابدی و جهانی اسلام دانسته است. (صدر، ۱۳۷۸: ۸۲)

سید قطب در باره‌ی اثر سوء ربا در ایجاد فاصله طبقاتی و شکاف عمیق اجتماعی، از قول دکتر شاخ آلمالی، مدیر ثابت بانک «رایخ» در آلمان، مطالب زیر را نقل می‌کند: «با یک عمل ریاضی ساده روشن می‌گردد که تمام ثروت مردم روی زمین که به جانب عده‌ی قلیلی رباخوار سرازیر می‌شود، به عبارت دیگر وام‌دهنده رباخوار در هر یک از معاملات ربوی

دائماً سود می‌برد و حال آن‌که وام‌گیرنده، همیشه در معرض سود دادن و زیان بردن است و با این ترتیب، تمام ثروت‌ها در پایان کار با حساب دقیق ریاضی به جانب کسی بر می‌گردد که دائم سود می‌برد و این نظریه ربا هم، برای تحقق دادن کامل همین هدف، مسیر خود را طی می‌کند و هم اکنون قسمت بزرگ ثروت روی زمین را چند هزار نفر رباخوار به صورت مالکیت حقیقی در اختیار دارند و تمام مالکان و کارخانه‌دارها که از بانک‌ها و عمال آن‌ها قرض می‌گیرند، همان حقوق بگیری هستند که به نفع سرمایه‌داران مشغول کارند». (سید قطب، ۱۳۶۰: ۱۱۹)؛ به همین جهت، ربا در روایات با شدیدترین عبارات به کار رفته است. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۴۲۷-۴۲۳)، (مجلسی، ۱۴۱۲، ج ۱۰۰: ۸۰-۸۱)

شاید از آنجا که ربا موجب از میان رفتن روحیه‌ی احسان شده است، این چنین مورد نهی قرار گرفته است و قرآن، رباخوار را به کسی که شیطان او را مس کرده است، تشبیه نموده است. «یعنی مانند مجنون و جن‌زده و آدمی که عقل و هوش و فکرش را از دست داده است. یعنی قرآن می‌خواهد بگوید رباخواری کانه تأثیری در فکر و هوش می‌کند و انسان را دیوانه می‌کند». (مطهری، ۱۳۷۰: ۵۱)

قرآن کریم با تحریم ربا از تکاثر ثروت جلوگیری نموده است. و آن‌گونه که در روایتی آمده است: (مردم گرفتار فقر و احتیاج و گرسنگی و برهنگی نمی‌شوند مگر بخاطر عصیان و حق‌کشی ثروتمند. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۶: ۴).

مورلی دیوید در این باره می‌گوید: «با نگاهی اجمالی به وضعیت مردم جهان، این حقیقت آشکار می‌شود که یکی از علل و عوامل عمده‌ی فقر، همین سیستم رباخواری حاکم در جهان است که عده‌ای معدود، ثروت جهان را در دست داشته و بقیه مردم در نکبت و بدبختی به سر می‌برند، $\frac{۳}{۴}$ مردم جهان، دچار کمبود غذایی هستند و $\frac{۱}{۴}$ بیش از حد مصرف می‌کنند». (مورلی دیوید - هر میدان لاول، ۱۳۷۱: ۹۱)

در چنین زمانه‌ای که روزانه تعدادی از گرسنگی و بیماری می‌میرند، (عظیمی، ۱۳۷۱: ۱۹۴)، فقر و محرومیت و مصائب انسانی در کشورهای توسعه نیافته، موجب درد و رنج فراوان شده است. به طوری که «وسعت دامنه‌ی فقر در دنیای معاصر به حدی است که جامعه‌شناسان از امکان وجود یک فرهنگ فقر سخن گفته‌اند». (محسنی، ۱۳۷۰: ۲۸۴)؛ سید موسی صدر در باره نقش ربا در ایجاد چنین وضعیتی، از قول ایولا کست آورده است: ایولا کست در کتاب جغرافیای کم‌رشدی، در صفحه ۹۷ می‌نویسد: «ربا، دستگاه عصاره‌کش نیرومندی است که به اقلیت ممتاز، امکان می‌دهد تا بخش عظیمی از ثمره کار رنجبران ممالک کم‌رشد را چپاول کند». (صدر، ۱۳۷۸: ۷۶)؛ به همین جهت در نظام حقوق اسلامی نیز، همه‌ی فقیهان و حقوق‌دانان اسلامی، به حرمت آن فتوا داده‌اند. شهید ثانی در این باره می‌فرماید: «حرمت ربا مورد تأکید شارع است و از بزرگ‌ترین گناهان به شمار می‌آید. یک درهم از آن، از حیث ورز و بال از هفتاد زنا که تمام با محارم صورت گیرد، بزرگ‌تر است». (شهید ثانی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۴۳۸).

امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: «حرمت ربا به کتاب و سنت، یعنی کلمات معصومین علیهم السلام و اجماع مسلمین ثابت شده، بلکه بعید نیست که از ضروریات دین باشد و رباخواری از گناهان کبیره است»، که در کتاب عزیز و اخبار بسیاری تشدید شده، تا جایی که از امام صادق علیهم السلام در خبر صحیح وارد شده که می‌فرماید: «گناه یک درهم ربا نزد خدای تعالی، شدیدتر از هفتاد زنا که همه آن‌ها با محرم انجام شود»، و از رسول خدا، صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که در وصیتش به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «یا علی! گناه ربا، هفتاد مرتبه دارد که کمترین آن مثل این است که کسی با مادر خود داخل بیت الله الحرام جماع کند». و از همان جناب صلی الله علیه و آله و سلم است که می‌فرماید: «کسی که ربا بخورد، خدای تعالی به مقداری که خورده، درون شکم او را از آتش جهنم پر

می‌کند و اگر از راه ربا مالی را به دست آورد، خدای تعالی هیچ عملی را از او قبول نمی‌کند و تا زمانی که یک قیراط از آن ربا نزدش مانده باشد، همیشه در لعنت خدا و ملائکه است.» (امام خمینی، ۱۳۶۷ - ۱۳۷۰: ۶۴)، از این رو آیات تحریم ربا تدریجا و در چند مرحله نازل شده است، گام اول، انتقاد از ربا خواری یهود، (نساء / ۱۶۱)؛ گام دوم، منع ربای چندین برابر و گام سوم، آن را به منزله‌ی جنگ با خدا. (قرائتی، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات عمده‌ی جهان امروز، فقر و ناداری است، به طوری که عده‌ی معدودی ثروت جهان را در دست داشته و بقیه در نکبت فقر و بدبختی بسر می‌برند، گرسنگی، مرگ و میر، عجز و درماندگی در برابر مسکن و تحصیل، از مصیبت‌های ناشی از فقر است، اهریمن فقر و تیره روزی، و بی‌عدالتی، موجب ناهنجاری‌های اجتماعی شده، به طوری که جرم‌شناسان، یکی از علل و عوامل جرم را فقر و ناداری می‌دانند و به قول مورلی دیوید: «اکثر کسانی که در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، گرسنه، فقیر، بیمار، فاقد آموزش، بیکار و فاقد علم و تکنولوژی هستند». از آنجا که این پدیده اجتماعی علل و عوامل گوناگونی دارد، یکی از علل آن ربا خواری است، قرآن کریم برای مقابله با این پدیده شوم اجتماعی راه‌های سلبی و ایجابی متعددی ارائه داده است. یکی از راه‌های مقابله با این پدیده، تحریم ربا است. ربا موجب تکاثر ثروت، فاصله‌ی طبقاتی، تبعیض و بی‌عدالتی می‌شود. از این رو؛ قرآن کریم با شدت با این امر مقابله کرده و آن را تحریم نموده است.

ربا و ربا خواری نه تنها در اسلام، بلکه در آیین یهود، مسیحیت و هندو نیز ربا را منع می‌کند. اما مسائل تحریم ربا در سایر مذاهب با اسلام فرق می‌کند و اسلام با شدت بیشتری بر آن تأکید دارد که حتی ربا خواری را جنگ با خدا و پیامبر می‌نامد و مجازاتش را اعدام دانسته است.

فقها فرقی نگذاشته‌اند و معتقدند ربا از هر نوعی که باشد، حرام است و اجماع هم در این زمینه وجود دارد. پژوهش در زمینه ربا به این دلیل مهم است که پیامدهای اجتماعی و فردی زیان باری به دنبال دارد که همچون فقر و بیکاری، افزایش فاصله طبقاتی، تورم، راکد ماندن فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی، مشکلات فردی و عصبی، ترک کار خیر قرض دادن و... برای همین است که اسلام آن را به شدت تحریم کرده است. نه تنها ربا گرفتن حرام است، ربا دادن هم حرام است، بلکه نویسنده و شاهد بیع ربا هم حرام است. در روزگار اخیر مسئله تحریم ربا در اسلام اهمیت نظری و عملی به مراتب چشم‌گیری یافته است. چرا که موضوعاتی همچون تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، عدالت و برابری، اجتماعی را به تعطیلی می‌کشاند.

آثار منفی ربا در نظام اقتصادی و بطن جامعه را می‌توان در قالب نکاتی نظیر، ترک کار خیر و قرض دادن، راکد ماندن تولید و فعالیت اقتصادی، افزایش فاصله طبقاتی و افزایش تورم در جامعه عنوان کرد.

بنابر آنچه بیان شد اولین مسئله‌ای که ربا در جامعه شکل می‌دهد، عدم روی آوردن مردم برای تولید می‌باشد. با توجه به آنکه با افزایش ربا، دیگر پول‌های سرگردان به سمت تولید نرفته و وابستگی به سراغ چنین جوامعی خواهد آمد. ربا با سست کردن پایه‌های تولید در هر کشوری، بزرگ‌ترین ضربه به آن جامعه را خواهد زد.

از دیگر سو، ربا نه تنها رونق اقتصادی را در پی ندارد، بلکه با افزایش بازده بخش غیر حقیقی اقتصاد یا بخش پولی باعث رکود در جامعه خواهد شد. بخش حقیقی اقتصاد به دلیل آنکه بازده کمتری نسبت به فعالیت‌های سوداگرانه دارد، در نظر

افرادی که دارای سرمایه پولی هستند، دارای جذابیت کمتری بوده و نقدینگی سرگردان در جامعه به سمت بازارهای غیررسمی از جمله ربا خواهد رفت.

حذف بهره از نظام بانکی و بازارهای مالی در اقتصاد اسلامی گامی موثر در جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و رهایی از آثار مخرب بهره است. بسیاری از مطالعات نشان می دهند که بهره نقش گسترده ای در محدود کردن سطح تولید و اشتغال دارد و موجبات توزیع نامطلوب درآمد بین اقشار مختلف جامعه را فراهم می سازد. برخی اقتصاددانان سرمایه داری اظهار می دارند که برای قرار گرفتن اقتصاد بازار در وضعیت بهینه ضروری است نرخ بهره صفر باشد. چنانچه کینز بهره را عامل رکود و ماندگاری آن در یک نظام اقتصادی می داند. با این وجود بهره، از متغیرهای کلیدی و اساسی در نظام سرمایه داری به شمار می رود. این مسئله که پذیرش بهره و وجود بازار پول در نظام سرمایه داری چه اثری بر متغیرهای کلان اقتصاد خواهد داشت موضوع بحث برخی اقتصاددانان است.

منابع

- قرآن کریم
- ابراهیمی، محمد حسین (۱۳۷۴)، ربا و قرض در اسلام، اول، قم، مؤلف.
- اردبیلی، احمد (۱۳۷۵)، زبده البیان فی احکام القرآن، اول، قم، سلمان فارسی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۳۸۹)، تفسیر البرهان، مترجمان: رضا ناظمیان، علی گنجیان، صادق خورشیا، اول، تهران، کتاب صبح.
- حویزی، عبد علی ابن جمعه (۱۴۱۵ ق)، نورالثقلین، هاشم رسولی، اول، قم، اسماعیلیان.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۷ - ۱۳۷۰)، تحریر الوسیله، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، اول، قم، دارالعلم.
- شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی (۱۳۶۷)، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، اول، قم، مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی.
- صدر، سید موسی (۱۳۸۳)، مبارزه اسلام با فقر و گرسنگی، مترجمان: طیبی شبستری و محمود حکیمی، اول، قم، جهان آراء.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۲۸۱ق - ۱۳۶۰ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی علی الفضل بن الحسن (۱۳۷۸)، تفسیر مجمع البیان، تحقیق علی کرمی، اول، تهران، فراهانی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن معروف به شیخ الطائفة (۱۳۸۷ق)، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
- عاملی، شیخ حر (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، اول، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، التفسیر، اول، تهران، المطبعة العلمیة.
- فاضل، مقداد بن عبدالله (۱۳۹۵)، کنزالعرفان فی فقه القرآن، ترجمه عقیقی بخشایشی، اول، تهران، کتاب عتیق.
- قرائتی، محسن (۱۳۶۰)، تفسیر نور، هفدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قطب، سید ابراهیم حسین (۱۳۶۰)، مقابله اسلام با سرمایه داری، مترجم: سید محمد رادمنش، چهارم، تهران، بنیاد علوم اسلامی.
- گالبریت، جان کنت (۱۳۶۰)، طبیعت فقر توده‌ای، مترجم کورش زعیم، اول، تهران، هما.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۲ق)، بحارالانوار، دوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۰)، مقدمات جامعه شناسی، هشتم، تهران، حاذق.
- مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۸۰)، آیات الاحکام، دوم، تهران، سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، مسأله ربا، سوم، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶)، تفسیر نمونه، بیست و پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مورلی، دیوید - هر میدان لاول (۱۳۷۱)، نام من امروز است، مترجم: سعید پارسا، اول، تهران، اطلاعات.

Examining the prohibition of usury as one of the ways to fight economic poverty from the perspective of the Holy Quran

Abdul Karim Golgoun^۱, Hormuz Asadi Mountain^۲

Abstract:

The ominous phenomenon of poverty has always had destructive effects on society and is one of the major obstacles to the happiness of human societies. The Holy Quran has provided ways to solve this social scourge and has dealt with it with negative and positive methods. On the one hand, banning usury and prohibiting the reproduction of wealth, and on the other hand, by establishing important and influential social institutions, such as khums, zakat, loans, endowment, endowment, and advice to work and effort, in order to solve this scourge of burning women. has taken care Despite the fact that all Muslims agree on the sanctity of riba in Islam, there is no exact definition of riba among Muslims. In the past, the majority of Islamic scholars, like Christians, considered all kinds of interest on money as equivalent to usury, but today, most Islamic scholars consider riba not just any kind of interest, but equivalent to cruel interest. The subject of the research requires to be investigated at a deep level. therefore; The in-depth research plan of the subject has been investigated by means of a case study plan of library technology, due to the reference to the Holy Quran and authentic interpretations and documentary technology, and it has come to the conclusion that banning riba is one of the ways to deal with Poverty and support for the poor.

Keywords: Holy Quran, poverty, usury, economy, justice.

^۱. PhD student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

^۲. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran, (Responsible Author),Asadi.koohbad@gmail.com